



سازمان کارگران انقلابی ایران رهبر

پیام کارگر



بهامداد ۲۰ بهاب

ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه اول بهمن ۱۳۶۶

گرامی باد خاطره قیام ۲۲ بهمن



قیام مسلحانه و شکوهمند ۲۲ بهمن، در تاریخ مبارزات مردم ایران یک روز تاریخی است. نقطه عطفی است بی نظیر و بیادماندنی. ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ دو روز ساده و معمولی نبودند. این روزها که شاهد تجلی خشم فروخورده و بیخض متراکم قرنهایستم و محرومیت بود، همچون آواری بر سطوح و نظام سیاسی حاکم فرو آمد. زلزله عمیق انقلاب بهمن چنان بود که حتی امروز پس از گذشت چند سال از حاکمیت ضد انقلاب آثار آن از میان نرفته‌های زحمتکش زابیل نگردیده و گویی ناشی از آن در میان دشمنانش احساس میشود.

قیام بهمن ولی بیش از هر چیز مکتبی است که نسل‌های انقلابی امروز و فردا‌های ایران را سیراب میکند و آموزش‌های آن با گذشت زمان کهنه نمی‌شوند. این قیام چنان در سهای گرانقدری بجا گذاشت که بقیه در صفحه ۲

گزارش جدید کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد ایران

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارشی دوره‌ای خود نقض حقوق بشر در ایران را مطرح نموده است. مطابق این گزارش در ۶ سال گذشته بیش از چهار ده هزار نفر در ایران اعدام شده‌اند و شکنجه به عنوان یک امر عادی در زندان‌ها بکار می‌رود. گزارش می‌گوید اعدام و شکنجه ادامه داده و حکومت فقها از پذیرش درخواست این کمیته برای بازرسی از وضع زندان‌ها و حقوق بشر در ایران بطور جدی خودداری می‌کند.

یک، دو، سه،
فلسطین آزادخواهد شد
گزارش تظاهرات برای
همبستگی با انقلاب فلسطین
در صفحه ۷

گوشه‌های شرایط زندگی
وبیکار
معدنچیان آفریقای جنوبی
در صفحه ۶

"کمک‌های غیبی" و بقاء جمهوری اسلامی

در صفحه ۵

یک مجله ترکی افشاء کرد:

گشتار پناهندگان ایرانی

توسط ژاندارمهای ترکیه

در صفحه ۳

اعتراض پناهندگان به سیاست‌های جدید دولت

در تاریخ ۲۱ دیماه سال جاری در اعتراض به سیاست‌های جدید دولت آلمان علیه پناهندگان که به نوبه‌ای در شرایط حاکم بر دکان‌های دولت فدرال خود را نشان می‌دهد و هر روز بر شمار "ردی"‌ها افزوده می‌شود تظاهراتی از طرف جمعی از پناهندگان "ایرانی" و "ایتالیه‌ای" در شهرهای بدلیبرگ آلمان غربی برگزار شد. در این تظاهرات حدود ۱۵۰ نفر ایرانی و ایتالیایی شرکت داشتند و اعلامیه‌هایی به زبان فارسی و آلمانی پخش کردند. در این اعلامیه شرایط دشوار کم‌برای ایران و سیاست ضد مکرانیک دولت آلمان تشریح گردیده بود.

اتحاد شوروی:

دمکراتیزاسیون

جوهر بازسازی و سوسیالیسم است

در ۱۸ نوپه‌نشستی در محل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برگزار شد که در آن مسئولین رسانه‌های جمعی و بعضی اتحادیه‌های کارگری (رشته‌های هنری و...) و نهاد‌های ایدئولوژیکی به گفتگو در باره "بازسازی" پرداختند. میخائیل گورباچف در این نشست ابتدا دگوناگون با بازسازی و مسائل مرحله دوم آن را مورد بحث قرار داد. او گفت مرحله اول که شاهد مل فرموله کردن مبانی بازسازی بوده با پایان یافته و مرحله اصلی که اجرای آنست آغاز میگردد، و از سال ۱۹۸۷ بعنوان سالی که مبنای رونق جدید قطعیت یافت و در سهای بزرگی حاصل آمدند دکرده. او گفت حزب راه خود را انتخاب کرده و با پیدای فاطمت پیش رفت و سیر جریانی را غیر قابل بازگشت نمود. اس نغیبرات در حیات کشور و سوسیالیسم و در سربونت جهان تاثیر عظیم دارد. او تاکید کرد که رسیده‌های واقعی برای بهبود مسایب بین الحلقی پدید آمده و بلائشای شوروی بقیه در صفحه ۵

گرامی باد خاطره قیام ۲۲ بهمن

زمان، تنها غنای آن‌ها را آشکارا نرخواهد کرد. از انقلاب بهمن ولی همه به یکسان نمی‌آموزند، و کم نیستند از حزب و افرادی که از بهمن فقط بعنوان یک درس تلخ یاد می‌کنند، کمونیستها و انقلابیون اما هرزه‌پیش از روز پیش برای آموزشهای بهمن تکیه می‌کنند، و از آن‌ها می‌گیرند، هرگامی که جنبش انقلابی به پیش می‌گذارد، اهمیت با زنگری درسهای بهمن و دقیق تر شدن به عمق تجارب آن ضرورت بیشتری می‌یابد. امروز دیگر آموزشهای چون قیام کارآموزان است، تاریخ را توده‌ها می‌سازند، جزو آموزشهای اولیه محسوب می‌گردند، توهم‌های کودکا نه در باره نقش "پیشا هنگان"، ولجاعت‌ها نمی‌تواند درک اشکال مبارزه توده‌ای می‌گردد، و از

همین روایت که با فعال شدن بحث‌های برنا مه‌ای در جنبش چپ طی سالهای اخیر علاقه به بررسی تجارب انقلاب بهمن با ردیگروست یافته است، به اعتقاد ما انقلاب بهمن پاسخ بسیاری از مهمترین سئوالات مربوط به محتوای انقلاب ایران و مناسبات طبقاتی گوناگون با قدرت سیاسی را بوضوح نشان داده است. و آنچه را که مشی کمونیستی می‌بایست شایده طی سالهای طولانی در تئوری حل و فصل کند در عمل به ثبوت رسانده است. در واقع استراتژی و تاکتیک انقلاب ما یک بار بدست توده‌ها در کوچه و خیابان و کارخانه‌ها و روستاها، تحقق یافت. پیدایش شوراهای کنترل کارگری در کارخانه‌ها، مداره‌ها و ختمان‌های دولتی و متعلق به سرمایه

مساله نه به بررسی خود یک رهبری... حتی برخاسته از بیرون خلق... نه بررسی بدست آوردن تفنگ و نه بررسی شکستن ماشین دولتی است... همه اینها وجود داشته است... مساله محوری و تعیین کننده این است که آیا درجا معسر ما به داری وابسته ما وقتی قدرت بدست توده‌ها افتاد دنیا بدست گیسسری سوسیالیستی میشد یا نمیشد؟

داران توسط زحمتکاران، مداره زمین‌ها بدست دهقانان و روستائیان فقیر، مداره با دکانهای نظامی و مراکز پلیس و تسلیح توده‌ها، کنترل ادارات و سازمانهای دولتی توسط کارمندان و کارگران به شکل شورایی همه محتوای استراتژی انقلابی را به شکل انقلابی متجلی ساختند. اما این استراتژی بعلت عدم وجود حزب طبقه کارگر تداوم نیافت و در نتیجه راه متوقف شد.

مبانی این استراتژی، که همین امروز نیز محل مباحثه و دوخط مشی انقلابی و فرمیستی است

تئوری زور و دیکتاتور می‌مطلق بی عملی توده‌ها را نتیجه می‌گرفت و در خواب و خیال جنگ توده‌ای دهقانان، سروسامان می‌کرد، همه با اولین تکان انقلاب بهمن دود شدند و به هوا رفتند، و اشکال ویژه مبارزات طبقه کارگر مثل اعتصاب توده‌ای، قیام شهری و تشکل‌های شورایی و کنترل کارگری ظهور یافتند. در واقع قیام بهمن فقط کاخ‌های سلطنت را درهم‌نکوبید بلکه بسیاری بناهای پوسیده و بسیار توهّمات کهنه و پیش‌دوری‌ها را درهم ریخت.

"تا مل برانقلاب ایران و بویژه برقیام شکوهمند خلق در ۲۲ - ۲۱ بهمن میتوانوا دوباید مکتب آموزش بزرگی برای آینده انقلاب ایران باشد. مکتب قیام بهمن براسستی اقیانوسی است بی‌کران و غنی که سالهای سال میتوان در آن به جستجو پرداخت و گوهرهای انقلابی کم نظیری در زوایا و اعماق بکرات یافت. اقیانوس هنوز در تلاطم است و همه چیز در حال جا بجا می‌است شایده زمانی که

امواج آرام گیرند و آب زلال شود بهتر بتوان اعماق آنرا دید. لیکن آن زمان دیگر ثبوت محققین است" آموختن از قیام بهمن و بکار بستن درسهای آن در انقلاب آتی اما تنها در بر تودانش ما رکنیسم لنینیسم ممکن است. عمیق شدن در این اقیانوس و رفتن در اعماق آن بدون مسلح بودن به متدولوژی علمی و راهنما قرار دادن مارکسیسم لنینیسم ممکن نیست. همین علت است که هر چه بر آگاهیه و دانش ما رکنیستی جنبش ما افزوده میگردد، بررسی اسناد گوناگون انقلاب بهمن افق وسیعتری می‌یابد و حواس ما زه‌سری از آن سرما مکتوف میگردد. از

در اولین سالگرد انقلاب بهمن، یعنی سال ۵۸ در تشریح شماره ۱۱ راهکارها بنظر جمع بندی شده است: "تجربه پیروزی قیام و شکست انقلاب نشان میدهد که توده‌ها میتوانوا نند بدون پیشا هنگ و بدون عنصر مست دهنده نیز انقلاب کنند و حتی قیامشان پیروز شود، ولی بدون پیشا هنگ، بدون عنصر آگاهی و مست دهنده، بدون دانستن آنکه قدرت بدست آمده را چگونه باید نگهدارند، با آن چه باید کنند و به جای ماشین خرد شده چه چیزی باید قرار دهند، قدرت سیاسی را از دست می‌دهند و انقلابشان دچار شکست میگردد. قیام بهمن دلیل پیروز شد که توده‌ها از رهبری جلو

افتادند و انقلاب بهمن دلیل شکست خورد که مجدد بسمت آن بازگشتند. آیا این تعبیر بمعنی استایستیش خود بخودی و بهمانندین بهره‌ری است؟ مسلمانان، مساله بر سر جهت گیری و سمت نهائی رهبری است، نه نقض رهبری که در ضرورت تعیین کنندند آن تردیدی نیست. مساله نه بر سر وجود یک رهبری - حتی برخاسته از درون خلق - نه بر سر بدست آوردن تفنگ و نه بر سر شکستن ماشین دولتی است همه اینها وجود داشته است، مساله محوری و تعیین کننده این است که آیا درجا معسر ما به داری وابسته ما وقتی قدرت بدست توده‌ها افتاد دنیا بدست سمت گیری سوسیالیستی میشد یا نمیشد؟ اگر نمیشد که نشد. راهی جز از کف رفتن قدرت توده‌ها و احیای نظام سرمایه داری و وابسته و بازاری ماشین خرد شده دولتی باقی می‌ماند؟ و نیز اینکه اگر بنا میبود سمت گیری سوسیالیستی شود، دریک جا معسر ما به داری - چه وابسته و چه غیر وابسته - بجز طبقه کارگر، آیا نیروی انقلابی دیگر میتوا نند چنین سمت گیری کند؟ جواب ما قاطعانه منفی است. مساله بر سر انقلاب سوسیالیستی نیست، مساله بر سر انقلاب دموکراتیک و در عصر امپریالیسم و بویژه در یک جا معسر ما به داری و وابسته است که بدون سرکردگی و رهبری طبقه کارگر، سمت گیری سوسیالیستی بمحض قفسه قدرت توسط توده‌ها، محال است و به همین دلیل نیز شکست انقلاب و بازگشت دیکتاتور می سرمایه - اگر چه در اشکال دیگرگون شده، قطعی است. پیروزی قیام مدیون اراده انقلابی توده‌ها و شکست انقلاب ناشی از فقدان سمت آگاهانه و سوسیالیستی این اراده بود."

بزرگاندا شت هرواقعه‌ای، آنهم وقایع بزرگ و استثنائی چون انقلاب بهمن از نظر کمونیست‌ها

به اعتقاد ما انقلاب بهمن پاسخ بسیاری از مهمترین سئوالات مربوط به محتوای انقلاب و مناسبات طبقاتی گوناگون با قدرت سیاسی را بوضوح نشان داده است. و آنچه را که مشی کمونیستی می‌بایست طی سالهای طولانی در تئوری حل و فصل کند در عمل به ثبوت رسانده است.

مناسبتی است برای خودآموزی و ارتقاء دانش و توان معنوی، بهانه‌ای است برای آموختن از توده‌ها و نقدها و اشتباهات و ضعف‌ها، از انقلاب بهمن بیا موزیم تا چیزی برای آموختن به توده‌ها داشته باشیم.



با پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!

گشتار پناهندگان ایرانی

مجله "نکته" یکی از برترین و بهترین مجله‌های خبری-سیاسی وابسته به محافل لیبرال ترکیه است. این هفته نامه دوشماریه را خیر خود (سوم ژانویه ۸۸) برده از گشتار پناهندگان و تحویلشان به ایران برداشته است.

"نکته" در مصاحبه‌ای که با پناهندگان ایرانی در اردوگاه پناهندگان در شهر "وان" نمود، مسائل و گرفتاری‌های پناهندگان را اینگونه منعکس کرده است:

"پناهندگان ای بنام" پرویز" که در واسط ماه اکتبر به ترکیه آمده خود شاهد اجساد کشته‌شدگان در مرز بوده است که بنا به اعتراف قاچاقچیان اینان از طرف ژاندارم‌های (ت) کشته شده بودند. همین مجله مسئله را روشن ترمی نماید و برده از هویت کشته‌شدگان برمی‌آورد. آنها زن و شوهر به همراه و بچه بودند که به هنگام عبور از مرز، ژاندارم‌های ترکیه برویشان آتش می‌شاندند. زن (گهرستار) بود (است) به همراه یکی از فرزندان در دم کشته می‌شوند، شوهرش تحویل ایران داده می‌شود و یکی از فرزندان توسط راهنمانجات پیدا می‌کند، مقامات محلی در برابر این جنایت تنها روی این مسئله که اینان به "اخطار ایست" توجه نمی‌نمودند، انگشت می‌گذارند!

با توجه به اینکه حقوق دانان و مسئولین محلی در آرای سیاسی تشبیه شده در قبال پناهندگان ایرانی نیستند، سازمان ملل متحد (شعبه پناهندگان) نیز سیاستی نهایتاً پاسیفیستی در قبال آن اتخاذ کرده است و این خود بر محرمان موجود صد چند ان دامن می‌زند.

مدیر پلیس "وان" در مقابل خبرنگار "نکته" به این مسئله اشاره نموده که در سال ۱۹۸۷ فقط ۷۳ تن ایرانی از طریق کوه آمدند که ماهیچ کد ام آزینها را برنگرداند، در صورتیکه همین مجله بصورتی بیطرفانه در جستجو و تحقیقات محلی خود از طریق غیر رسمی به این نتیجه رسید که بطور معمول هر روز ۱۰ ایرانی از طریق کوه به ترکیه پناهند می‌شوند که بخش عظیم اینان در عرض یک هفته تحویل مقامات ایرانی می‌شوند، و این بخشی از لیست افرادی است که به ایران تحویل داده شده‌اند: بابک درود، سید تبریزی، افشین میرمجتهدی، محمد رضا، علیرضا پرتوزاده و... فریدون خاقانی.

این پناهندگان و هم‌اوصد ها پناهندگان دیگری که تحویل ایران داده شده‌اند، همه شان در دادگاه "وان" محاکمه شده و دادگاه رأی داده که آنها حق خارج شدن از کشور ترکیه را ندارند، اما علیرغم این حکم دادگاه، مقامات امنیتی و پلیس آنها را به ایران تحویل دادند.

"نکته" با توجه به اسناد رسمی که در دست دارد این مسئله را عنوان نموده که به غیر از پلیس "وان"، فرمانداری "وان" نیز در تحویل ایرانی‌ها نقش فعالی داشته و تعداد بیشماری از پناهندگان ایرانی را به مقامات دولتی ایران تحویل داده است و جالب اینکه فرماندار "وان"، "اوزد میرخان" اولی "ازد" را با خبرنگار مجله "نکته" به هر شکلی طفره رفته و درخواست به این مسائل پاسخ گوید.

بقیه در صفحه ۱۵

رونق بازار مرگ در ایران

توضیح: پترشوت (Peter Schütt) نویسنده ترقی خواه آلمانی طی سفری که واسط سال ۱۹۸۶ به ایران نمود، شاهدات خود را از اوضاع ایران و تأثیرات جنگ خانمانسوز ایران و عراق بر زندگی توده‌ها را در کتابی به زبان آلمانی به رشته تحریر آورده است. متن زیر ترجمه قسمتهایی از کتاب مزبور است که در نشریه آلمانی AEB (مجله جهان سوم ماهنامه دسامبر ۸۷) بچاپ رسیده

* * * *

سفری که من به ایران داشتم، دورترین سفر طولانی بود، این دوری را نه از لحاظ جغرافیایی بلکه بدلیل فلسفی آن می‌گویم. هرگز من در گذشته تا این حد از کشورم، از اروپا، از فرهنگی که از مسیحیت به ارث بردم و از جهان بینی مارکسیستی ام فاصله نداشتم، و هرگز در گذشته رجستجوی پیچیدگی‌های دینی این جهان تا این حد در تاریخ فرورفته بودم. هرچند که خط مقدم جبهه را ندیدم و در مناطق نزدیک جبهه نبودم ولی کوشیدم تا حتی الامکان این جنگ را که سببانه ترین جنگ از قطع پایان جنگ ویتنام است از نزدیک ببینم، و مسلماً امروز دیگر نمی‌توانم با وجدانی به آرامی گذشته به خواب روم. تصاویری که از قبرستان شهیدان بهشت زهرا و یاسریان در حال مرگ در مسجد فاطمه قم در ذهنم نقش بسته‌اند، مرا یقیناً تا آخر عمرم همراهی خواهند کرد. همانگونه که

شاهد هگروه‌های جمعی در جاده "کامتین" در نزدیکی هانوی راه‌گذر فراموش نخواهم کرد.

سفر من به ایران هیچ نتیجه مشخص دیگری به جز مطالبی که در این کتاب جمع آوری شده است نداشت من موفق نشدم که نگاهی به استراتژی جنگی این کشور ببینم و حتی نتوانستم سوسوهای صلح و پایان جنگ به طریق مسالمت آمیز را مشاهده کنم. ولی آنچه که برای من مسلم است اینست که راه رسیدن به صلح در این منطقه قیام تمام انسانهایی است که زندگی را در دست دارند. چه در شرق، چه در غرب و چه در شمال و در جنوب. درست به این دلیل که من در خود ایران علاقم بسیارم که از صلح مشاهده کردم و درست به این دلیل که در کشور متخاصم ایران و عراق نمی‌خواهند با ابتکار خود سلاح‌ها را کنار بگذارند. امروز از هر زمان دیگر ضروری‌تر است که فشاری بین المللی بر طرفین جنگ و همچنین به کشورهای که آنها را با اسلحه تغذیه می‌کنند وارد کنیم. در رابطه با مسائل صلح جهان اگر چه همیشه نقش مهمی را ایفا کرده ولی متأسفانه بندرت از جنبه مثبت آن (افزایش باید. علاوه بر آن در طی اقامت در ایران به این نتیجه نیز رسیدم که استراتژی تهاجم در زمینه گشتار توده‌ها در کنار خلیج دیگر همانند هفت سال قبل عمل نمی‌کند. نیاز به اطلاعات، عذاب وجدان و تمایل به مذاکره در بین توده‌ها افزایش یافته است. در سطح بین المللی نیز تلاش‌ها برای پایان مسالمت آمیز جنگ کیفیت جدیدی بخود گرفته است. سازمان ملل و شورای امنیت تلاش‌هایشان را در زمینه افزایش داده‌اند.

تهران و جنگ

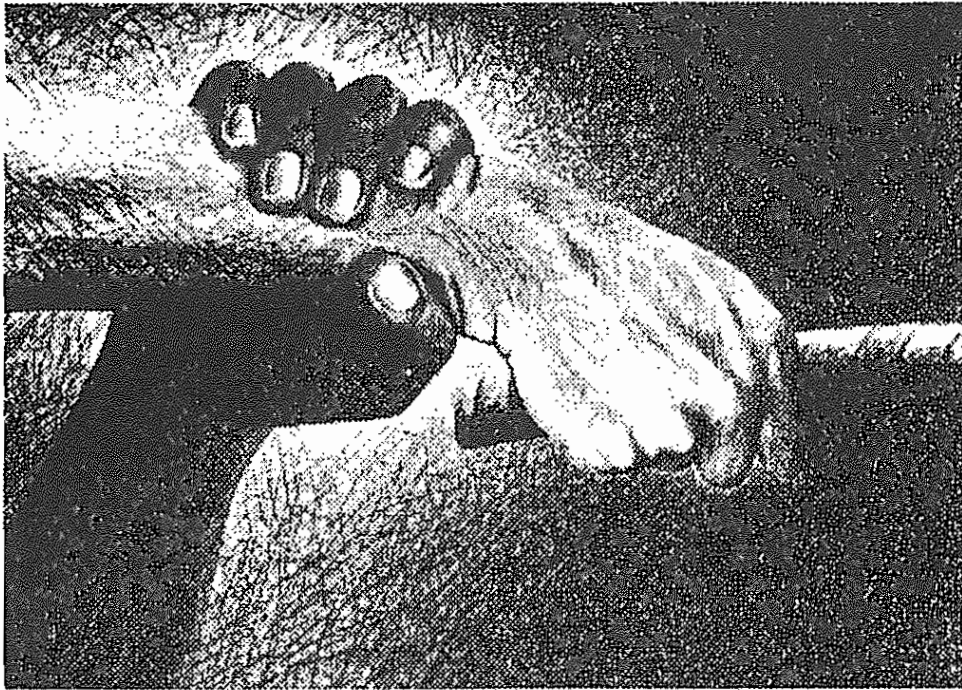
مردم تهران ۷ سال است که تحت فشار جنگ زندگی می‌کنند، جنگ یک مسئله روزمره شده است ولی صرف نظر از ریزش‌ها و ویرانه‌ها، که گاه و بیگاه در تهران خبر از جنگ می‌دهند، زندگی به طرز شگفت آوری رونق طبیعی خود را طی می‌کند.

در شمال تهران کسانی را می‌توان دید که موفق شده‌اند خود را از صحنه جنگ کاملاً دورنگه دارند و کسانی نیز که در قبال این جنگ سودهای سرسام آوری به جیب زدند، آقایانی که زنان چادری در بسترشان را، ماشینهای لوکسشان را و لباسهای زیبایشان را به نمایش می‌گذارند، و گاه اوقات برای من این امر تعجب‌آمیز می‌شود که روبروی من کسانی ایستاده‌اند که شاید دل‌اسلحه ویا معامله‌گران جنگ باشند...

شروت در ایران چه در زمان شاه و چه در دوران آیت الله هیچ وقت جنبه منفی نداشته است و حتی سودهای بدست آمده از تجارت اسلحه نیز مایه افتخار است. چرا که در خدمت دفاع از میهن انجام گرفته است! معامله مخفی اسلحه با با اصطلاح دشمنان اصلی رژیم یعنی اسرائیل و آمریکا شاید در بین مردم غرب شگفت انگیز باشد ولی در مطبوعات ایران به کسانی که موفق شده‌اند "شیطان را گول بزنند" و کارجاق کن معامله‌بودند، لقب قهرمان میدهند...

امروزه ایران از جنبه اقتصادی زمین خورد است. درآمد و سطح زندگی توده‌ها به خصوص پرولتاریای شهری نزول یافته و به سطحی پایین‌تر از زمان شاه رسیده است. زندگی روزانه در قسمت حاشیه شهر (حلبی آبادها) به صورت غیرقابل تصویری مشکل گردیده و نیروی تدافعی و انرژی توده‌ها را به تحلیل

بقیه در صفحه ۱۵



گوشه‌ها ئی

از شرایط زندگی وپیکار معدنچیان آفریقای جنوبی

خلقهای مختلف و اختلافات دیرین در میان پاره‌ای از خلقتها و نیز توسل روزافزون رژیم‌نژاد پرست به سیاست چماق و نان شیرینی در رابطه با گروه‌های مختلف کارگری نیز توجه داشت.

علیرغم همه مسائل فوق که سا زمانگری اتحادیه ای و توده‌های کارگران و زحمتکشان را به یک شکل پیچیده تبدیل می‌کند، کارگران پیشرو و رزمندگان کمونیست آفریقای جنوبی در استفاده از کلیه امکانات قانونی و غیرقانونی، ترکیب شیوه‌های متنوع کار آگاه‌گرانه و سازمان‌گرانه، سازماندهی مخفی وطنی، پیوند خواسته‌های عمومی با خواسته‌های کارگری و توجه به تصادف‌های درون کارگران، خلاقیت قابل تحسینی از خود نشان داد و وطنی مبارزات جاری کارگری، با استفاده از اتحادیه‌ها به‌عنوان "زمین تمرین" برای مبارزات بزرگ آتی، گام‌هایی ارزنده در راستای انقلاب برداشتند.

برسند. گاهی آنها سالها در انتظار کار صبر کرده در خیابانها می‌خوابند و خود را با کارهای مختلف برای گذران زندگی مشغول می‌کنند. غالباً آنها را در حال خوردن پوست پرتقال می‌بینید. آنها از بازگشت به خانه‌اگراده‌اند، زیرا فرزندانشان آنها را بخاطر گوسنگی گریه می‌کنند. کارگرانی که شانس بیشتری داشته و کار پیدا می‌کنند در خوابگاه‌های اطراف معادن زندگی می‌کنند و هرچند ماهی به دیدار خانواده خود رفته و برای آنها پول می‌برند. مبارزه متشکل کارگران شاغل که با مشقات بسیار از سوی فعالین اتحادیه‌ها سازمان داده می‌شود، همواره در خطر شکست به خاطر وجود انبوه بیگاران قرار دارد. تصادف این دو دسته از کارگران که بعضاً دوست و بیاباد ریکد یگر هستند، در جریان اعتصاب معدنچیان به‌شکرتهای چند ملتیی امکان داد که در فاصله کوتاهی، ده‌ها هزار نفر کارگر اعتصابی را اخراج کنند. بسیاری از این کارگران سالها در انتظار کار، مشقات فوق‌العاده تحمل کرده بودند و اکنون در اشرار خراج آنها، صف جویندگان کارشلوغ تروسیل مهاجرین افزون‌تر شده بود.

شرایط فوق‌الذکر، همواره اقدام به اعتصاب را به‌مدلی و تأیید ساکنان مناطق فوق‌مشرط کرد و اعتصاب معدنچیان علیرغم فشارهای اقتصادی که بر توده‌های چیرسبها پوستان وارد می‌آورد. با تأیید آنها توانست اقدام نماید.

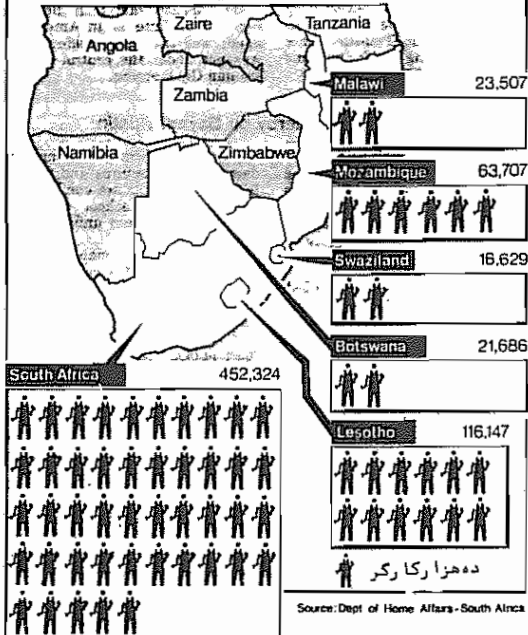
کشورهای همسایه آفریقای جنوبی نیز وضعیت مشابهی دارند. بسیاری از آنها مثلاً موزامبیک وابستگی شدیدی به ارز وارداتی کارگران مهاجر و فصلی دارند و این وابستگی به عنوان اهرم فشار سیاسی همواره مورد استفاده رژیم آپارتاید بوده است. در مجموع بیش از یک سوم معدنچیان آفریقای جنوبی از کشورهای همسایه ویا از کلنی‌های داخلی می‌آیند و اگر شرایط اقتصادی وخیم این مناطق، جنگ داخلی در موزامبیک، حملات نظامی ارتش نژاد پرست به آنگولا و موزامبیک و خشکسالی مزمین‌سالیهای اخیر در نظر گرفته نشوند، آنگاه پیچیدگی‌های سیاسی و سازمان‌گرانه فعالیت اتحادیه‌های آفریقای جنوبی تصویر روشن‌تری می‌یابد. بعلاوه باید به مسئله تعلق کارگران به

اعتصاب نسبتاً طولانی معدنچیان آفریقای جنوبی که با شرکت ۳۴۰۰۰ معدنچی در ماه اوت سال جاری صورت گرفته و تا اواخر ماه سپتامبر ادامه داشت، برای فعالین نهضت کارگری و کمونیستی ایران در مجموع پدیده‌های کم‌شناخته شده باقی‌مانده است. داشتن اطلاعات روشن و همه‌جانبه در باره شرایطی که مبارزه معدنچیان در آن صورت گرفت و نیز شرایط عمومی تر مبارزه کارگران آفریقای جنوبی از آن رو برای کمونیستهای ایرانی اهمیت دارد که در ریتوان می‌توانیم در رسپهای مهمی برای مبارزه کارگری و ویژه اشکال سازماندهی کارگری و شرایط سرکوب شدیدی و فلاکت اقتصادی توده‌های کارگری موزیم:

استثمار سرمایه‌داران در آفریقای جنوبی در شرایط فعلی بدون اتکا به تبعیض نژادی و روابط نواستعماری تحمیل شده به همسایگان آفریقای جنوبی و نتیجه وابستگی اقتصادی آن‌ها به این کشورها ممکن است. تقسیم‌سرمزمن آفریقای جنوبی به مناطق ظاهراً مستقل - باتونستان - و مناطق تحت حاکمیت مستقیم رژیم آپارتاید، علاوه بر انگیزه‌های نژاد پرستانه، اساساً ناشی از نیا سرمایه‌داری در این کشور به‌توسل به وحشیانه‌ترین اشکال تحمیل اصطرا اقتصادیه توده‌های زحمتکش سیاه‌پوست می‌باشد. مناطق مستقل فوق به‌شاه‌کلنی‌هایی عمل می‌کنند که در آنها توده‌های سیاه‌پوست تحت شرایط وابستگی کامل اقتصادی به آفریقای جنوبی که خود ناشی از توسعه نیافتگی اقتصاد این مناطق است به‌سرمی‌برند. ارتش ذخیره بیگارانی که گروه‌گروه با تحمل مصائب فراوان در جستجوی کار به داخل آفریقای جنوبی می‌روند، و گاه سالها در اطراف مراکز بوش کارگری بیتوته می‌کنند، به سرمایه‌داران آفریقای جنوبی این امکان را می‌دهند که از آنها به‌عنوان منبع نیروی کار بدون پذیرش هرگونه تعهدی استفاده کرده و در صورت لزوم گروهی را با گروه دیگر تعویض کنند. این کارگران، به‌گفته یکی از فعالین یک گروه خودیاری بنام شورای مسیحی لسوتو کیلومتر در رکه‌ستانها . . . راهپیمایی کرده و با خود تنها یک پتومی برنده تابه مراکز بوش کارگر

نیروی کار معدن

۶۹۴ هزار کارگر سیاه‌پوست (۳۵ درصد از کشورهای همسایه) در معدن آفریقای جنوبی کار می‌کنند.



سوءد: از طریق کمانی "گازل اوپک اشیتیز" بفرورز "کشمعه فروش مواد منفجره شرکت معظم" نوبل" میباشد، مهمات جنگی به ایران فروخته است.

کره شمالی و چین: موشکهای معروف به "کرم ابریشم" و موشکهای خشکی بد ریا "زنوع" ت. ث. آ. ب. ت. ۸۰۱۰" به ایران فروخته اند.

یونان: بطرق مختلف به ایران سلاح و مهمات جنگی فروخته است، و بد نیست این راهم اضافه کنیم که صهیونیست های اسرائیل نیز سال ۱۹۸۱ انواع موشکهای "هاک" تانکهای "ام ۴۸" انواع قطعات توپهای ۱۵۵ میلیتری "به ایران فروخته اند و همچنین انگلستان بوسیله شرکت "پلسی" د رسال ۱۹۸۶ - ۱۳ د ستگاه رادار عظیم با سیستم ارتباطات راه دور و تجهیزات کامپیوتری به ایران فروخته است که تنها قیمت همین د ستگاهها بالغ بر ۲ میلیارد فرانک بوده است!

مجموعه اسناد و اطلاعات منتشره در رسانه های خبری به آشکارترین وجهی نشان میدهد که حفظ توازن قواد ر جنگ و ادامه این جنگ (بمشابه طولانی ترین جنگ معاصر) ریشه د ر منافع انحصارات امپریالیستی دارد و ر رابقا رژیم مرتجع و منحطی همچون جمهوری اسلامی که خود راد رهالسه ای از الهیات و غیبیيات پوشانده است د ر مناسبات اقتصادی و باجهای سیاسی معینی است که د ول امپریالیستی د رقبال منافع هنگفت اقتصادی، بد ان می برد ازند.

اینکه "د ولت شیراک - پاسکوا" تروریست سرشناسی همچون وحید گرجی رابا آنهمه مدرک جرم مسجل در روز روشن به کانون تروریستی خود، یعنی جمهوری اسلامی تحویل میدهد، تصادفی یا از روی ترس نیست، منافع اقتصادی سرشار "کشور بزرگ" ایران است که این چنین موازین و افکار و اخلاق عمومی رابه ریشخندی می گیرد و بی هیچ واژه ای "تعهدات" حقوقی و قانونی خود رانیز نقص می کند!

ندا ریم هیچ کس در زمینه دمکراسی با ندازه ما پیش نخواهد رفت چون این جزوما هیت سیستم است. ما دمکراسی را در همه زمینه ها به پیش می بریم از جمله در حوزه اقتصاد، در هیچ کجا در غرب مدیران و سرپرستان واحدها را انتخاب نمی کنند. هیچ کجا در غرب کلکتیوهای کاربرنا مه ها را تعیین نمی کنند. این چیزی است که دمکراسی سوسیالیستی ما را میسازد. دمکراتیزاسیون و "علنیت" تنها بعنوان ابزارهای با زسازی ویا یک جنبش کوتاه مدت نیستند بلکه جزو ماهیت سیستم است و همین وجهتما بزبا دمکراسی بورژوازی است که تنها صورت ظاهری "علنیت" و آزادی ربا راهای ظریف ارائه می کنند تا مردم را از قدرت واقعی سیاسی دورنگهدارد که بقول لنین این حق را میدهد که یکبار برای بدهند و تا دور دیگر انتخابات چه کسی آنها را تخمیق کند. ما میخواهیم از طریق دمکراسی سوسیالیستی مردم را در تمام پروسه مدیریت دخیل نما شیم. اگر بوسی لیبورا لیم بورژوازی کشیده شویم این یک عقب گرد خواهد بود.

گوربا چف در مورد درس دیگر سال ۸۷، به دریافت آموزش لنین در مورد حزب پرداخت. او گفت که تاریخ ما این آموزش لنین را که حزب از نسوع بقیه در صفحه ۹

امپریالیستهای اروپایی با فروش اسلحه، مهمات و فزار آلات جنگی به جمهوری اسلامی سود های کلانی به جیب میزنند و متقابلا به آن باج سیاسی می دهند!

"کمک های غیبی" و بقاء جمهوری اسلامی

د طرف جنگ رابر ملا کرد و نشان داد که امپریالیستهای اروپایی نسبت به سایر امپریالیستها د رکمک رسانی به "تنور جنگ" مفعول نبوده و متحدانه عمل میکنند. روزنامه لوموند بنحومستند و مفصل کشورهای مختلفی را که به ایران "کمک" می رسانند ذکر کرده است. به برخی از این "کمکها" نگاهی بیفکنیم:

فرانسه: علاوه بر شرکت "لوشر" شرکت "پودر و مواد انفجاری" به ایران مهمات جنگی صادر کرده است.

ایتالیا: بوسیله شرکت "وال سلا مکانیکا" و از طریق نیجریه به ایران اسلحه و مهمات فروخته و ارسال کرده است، که پنج مورد فروشندگان راتحت تعقیب قانونی قرار داده اند!

هلند: شرکت "می موئی دن شمی پ-ت" مواد انفجاری و مهمات جنگی از طریق یوگسلاوی صادر کرده است.

اسپانیا: از طریق شرکت "بوی گاسامه" با رسلون "با مشارکت "وال سلا مکانیکا" ایتالیا سلاح و مهمات و قطعات جنگی به ایران فروخته است.

سوئیس: آقای "والتر موت" رئیس شرکت "هلپتراد - بن"، که د ر ماه سپتامبر گذشته د ستگیر شده است، بگفته کارشناسان آمریکایی، قطعات یدکی هلیکوپتر به ایران فروخته است.

انگلستان: شرکت "روپال ارد نانس پ. ال. ت" که شعبه ای از کمپانی معظم "بریتیش اوراستر" میباشد، مقادیر کلانی مواد اولیه انفجاری و مهمات جنگی را از طریق بلژیک به قصد بندرعباس و توسط کشتی د انمارکی به ایران ارسال کرده است.

ماجرای "ایران گیت" و افشا اخبار مربوط به حمل سلاح های آمریکایی از طریق اسرائیل به ایران و ماجرای دستگیری صادق طباطبائی د ر آلمان و رد کردن ویزاهای سفرا ویه اسرائیل، شمه ای از "کمک های غیبی" به جمهوری اسلامی و جبهه های جنگ "حق علیه باطل" راد رساله های گذشته نشان داد.

د رسال ۸۷ نیز با توجه گیری اختلاف بین جناح های مختلف امپریالیسم فرانسه، بر سر چگونگی تنظیم مناسبات با ایران، سلسله ای د یگسراز "کمک های غیبی" به جمهوری اسلامی ایران روشد! بوسیله چندین روزنامه و مجله معتبر و توسط چند برنامه تلویزیونی فرانسه افشا شد که بطور منظم علاوه بر کشورهای آلمان، اتریش، ایتالیا، سوئد و... توسط کشورهای فرانسه نیز طی سالهای ۸۲ تا ۸۶ (یعنی بهنگام زمانه اداری کابینه سوسیالیستها) به ایران منظم مهمات و فزار آلات جنگی فروخته شده.

تنها ادعای یکی از این منابع، مبنی بر اخذ ۳ تا ۵٪ حق کمیسیون برای فروش تعدادی "قایق" های جنگی سریع، به ایران توسط سوسیالیستها، بوسیله مقامات سوسیالیست تکذیب شد، اما د ر باره فروش آنها تکذیبی صورت نگرفت و سکوت کردند!

همچنین د ر ژوئن ۸۷ محمود له زگی از فزار آلات جنگی فرانسوی که برای ایران با رگیری شده بود، د ر یکی از بناد راسیانیائی شناسائی شد و بعد افشا گردید.

"مرفابی د ر زنجیر" بنحومستندی شکل گیری کارتل بین المللی فروش اسلحه و مهمات جنگی به

ادامه از صفحه ۱

دمکراتیزاسیون جوهر...

در زمینه خلع سلاح هسته ای که روزی یک خیال پردازی تلقی میشد امروز نتایج خود را آشکار میکند. در مورد روند با زسازی گفت که با زسازی مبارزه همراه است. این طبیعی است چرا که با زسازی ادا مه انقلاب است و اگر ما اکنون انقلاب را به پیش می بریم پس مبارزه اجتناب ناپذیر است. اما این مبارزه در جامعه شوروی چه بلحاظ شکل و چه نیروهای درگیر، بحالت آنتاگونیست طبقات متخاد نیست اگر چه منافع فردی و گروهی در میان است. با زسازی از راست و چپ مورد انتقاد را میگیرد. چپ سرعت پیش روی را کافی ندانسته و معتقد به وضع قوانین جدید و تغییر مسئولیت های کارهاست که بیشتر جملد بردازی های بی محتوا است. راست اما مدعی است که با زسازی، زیربنای سوسیالیستی را به خطر می اندازد، چه چیز این سنان ها را به خطر می اندازد؟ بحرکت در آمدن مردم و درگیر شدن آنها در امور کشور که خود ما حت آن هستند! زان راه سوسیالیسم صعب نمی شود و برعکس از طریق فعالیت سیاسی و اجتماعی مردم، قدرت میسر دوظرفیت های آن بسیار

کراچی

کراچی!

من از جنوب ایرانم
با کاکلی سوخته ز نیزه زار خورشید

ومخمل ساده‌ای از خون کدر گها پمرا میبوشاند

درخیا بانهای شلوغ کراچی

— اندوه‌نگاهم —

ترانه غربت را

بژواکی است بر شیشه‌های پنجره!

کراچی،

شهرکالاهای قاچاق ودلالهای هروشین،

گران جانی از زخمهای قبیله‌ای!

کراچی،

شهری که هر شب ماه،

از آبا برتعا نه‌ای غول آسایش به قعر جابه‌ای کویری سقوط می‌کند!

ودر آبه‌ای طلائی اقیانوس

رویای کودکان ما هیگیروکا بوس شبانه‌ما هیان خرد

ساحل را سرشار می‌سازد.

کراچی،

شهری که مگس‌ها وحکومت نظا می

خون فقیران را می‌مکند!

کراچی،

شهری که هنوز جای پای بریتانیا نیای کبیر

در کوجه‌های گل آلودش پیدا است

وقا حشه‌خانه‌ها ودولتش،

در اچاره سربازان آمریکا‌ئی است.

شبه‌ا از سنگفرشهای "مَدَر" (۱)

بوی فقروبا روت می‌آید

وبوی میوه‌های گندیده‌ی بساط دوره‌گردان!

کراچی!

در شرحی‌های سوزانت

من هُرم‌مذا بعا طفه‌ام.

به‌هنگامی که مردانت را

به‌قربانگاه شقاوت مها راجه‌ها می‌برند!

کراچی!

بندرگاه‌بی فانوس‌جها!

با روی بی برج و کبوتر!

دختر تکیده‌بر بال‌ش آبه‌ای اقیانوس!

کراچی!

کاشی که به‌روزگاری از فرا زالسبرز

می‌دیدمت نشسته‌به خوشبختی

ودرتبه‌های سبزا سلام‌آباد

— به‌جشن آتش‌بازی چشمان سیاه عروس ساری پوش تومی‌آدمم.

کراچی!

بگذار منم بگویم از میهنم

این زخم‌گشاده‌ای که قلب کوچکم را

به آزمونی تلخ می‌طلبد.

هیچ جلو دارتوده‌ها نیست،
کشتار

گل‌وله‌ها

زوزه‌کشان بیورش آوردند میان ما

چونان کفتارانی گرسنه

هریک شتا بناک به‌نیش کشیدند

گوشه‌ای از قلب و

پاره‌ای از سینه‌مان را.

با دندان‌های درنده‌جویدند، جویدند

گوشت تن کودکان

زنان

ورفیان خلق را.

اجساد کشتگان

بردست‌های زندگان

پرچی سرخ گشت و

در بادهای انقلاب

به‌هتزار در آمد،

خون با صدا درآمیخت

وچا درد و دوبا روت را شکافت و

پرکشید ترا نه‌آزادی

برفراز سرزمین زندانی،

در پشت پنجره‌ها

چشمهای منتظر گریستند، گریستند

ودرمیدان‌ها

دهان‌های خونین.

نعره‌برآوردند، نعره‌برآوردند، نعره‌برآوردند

آه‌چه بسیا رگ‌وله‌ها

سینه‌ها را برکشید

چه بسیا ربر مردمک چشم‌ها دندان کشید

چه بسیا رمغزها را متلاشی کرد گلوله‌ها،

در حرکتی ابدی به‌سوی آزادی، اما

خواندند خلق‌ها:

"جز مرگ‌آری

هیچ جلو دارتوده‌ها نیست

مرگی که بزیاید هزار زندگی

پیدا است

بیهوده نیست."

آری خواندند خلق‌ها و با موج، موج خونشان

را نند بسوی آزادی،

وقتی گلوله‌ها

زوزه‌کشان بیورش آوردند میان ما.

از: "در راستای انقلاب" سروده‌ سرشوک —

نشر سرخ

یک، دو، سه، فلسطین آزادخواهد شد

وین - اطریش :

"کمیته همبستگی با فلسطین" در وین، روز جمعه بیست و دوم ژانویه یک راهپیمایی در حمایت از قیام آزادخواهان مردم فلسطین ترتیب داد. در این راهپیمایی که از جلودادشکا هاین آغا زنده و در میدان اپرا خاتمه یافت، دانشجویان فلسطینی مقیم وین، نیروها و افراد طرفدار آنها، فدراسیون کارگران ترک مقیم اطریش و شورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران در وین شرکت داشتند. جمعیت شرکت کننده شعارهای زیر را تکرار میکردند.

- ۱- ما آزادی می خواهیم ما نه از یگین.
- ۲- صهیونسم عین را سیم (نژادپرستی) است.
- ۳- یک، دو، سه، فلسطین آزادخواهد شد.
- ۴- زنده باد همبستگی بین المللی.

گوتنبرگ - سوئد :

در روز شنبه شانزدهم ژانویه تظاهراتی از طرف حزب (KPLM) با شرکت (۵۷۰) نفر بر علیه تروریسم دولت صهیونیستی اسرائیل و در دفاع از انقلاب فلسطین در شهر گوتنبرگ برگزار گردید.

هواداران سازمان ما در گوتنبرگ نیز کیه دعوت این حزب در این تظاهرات شرکت داشتند، اقدام به توزیع تعداد کثیری از ترجمه کامل مقاله "انقلاب فلسطین مسئله صلح" (مندرج در راهکارگر ۳۹) نمودند که با استقبال شرکت کنندگان در تظاهرات رو برو گردید.

این تظاهرات پس از تصویب قطعنامه ای خطاب به دولت سوئد مبنی بر قطع روابط بین دو دولت سوئد و اسرائیل، با سرودن ترنای سیونال خاتمه یافت.

فرا نکفورت - آلمان فدرال :

در تاریخ ۲۲ ژانویه سال جاری در اعتراض به سیاست سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی نوار غزه و کناره باختری رود اردن و به پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه مردم فلسطین که در راه آزادی سرزمین خویش مبارزه می کنند، از طرف نیروهای مترقی شهر فرا نکفورت آلمان غربی سازمان آزادیبخش فلسطین و بخشی از سازمانهای انقلابی ایرانی تظاهراتی برگزار گردید.

حدود ۲۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند و در پایان راهپیمایی سخنگوی سازمان آزادیبخش، نماینده ای از حزب سبزها، نماینده ای از یهودیان شهر فرا نکفورت و آلکساندر شوبسرت شخصیت معروف سیاسی آلمان فدرال سخنرانی کردند و به تشریح مبارزات خلق فلسطین و سیاستهای ضد انسانی و سرکوبگرانه صهیونیست پرداختند.

پیش از ختم مراسم از جانب گردانندگان برنامه پیام همبستگی رفقای هواداران سازمان ما که در این برنامه فعالانه شرکت کرده بودند اعلام شد.



کراچی

از هویزه ،

خرمشهر غرق گشته در آبهای خونین خلیج
از شهر کوچک

شوش

شهرشهریاران نامدار مردم گمنام
واژ کوچکترین خواهرم

که بر اسفالت های داغ آبادان بریزد.

با مدادان

کسی که وعده ی خورشید را می داد ،

ستارگان را کشت

کسی که از پشت گلهای سرخ می گذشت ،

رشته های قلبم را با خنجر درید!

من،

با گلوی گلگون دشت می خوانم

ترانه های یملخته های خونینست جاری

از عصب پاره ی صدام

ایکاش ،

یکبار ،

تنها یک بار

میهنم را دوباره می دیدم بی شبکه درد!

ایکاش

روزی

تنها یک روز

در میدان آزادی

در صفوف بیشمار مردم

بنام همه ی شهرهای جهان

می جنگیدم

و در تلالوی واپسین گلوله ی خورشید

بر شقیقه هایم

به عشق بزرگ خویش می اندیشیدم

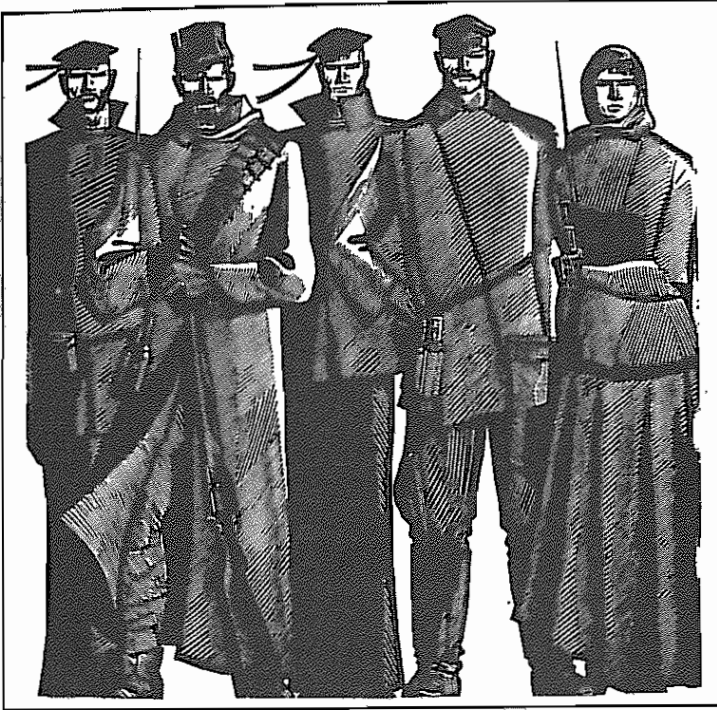
و چشمان مرموز و سیاه کراچی را

بیا دمی آوردم!

خوزستانی

(۱) مدّرحله ایست بس فقیرنشین که بمب گذاری های اخیر در آنجا صورت

گرفت و صدها نفر کشته شدند .



معرفی کتاب

از: علی

شوراها و انقلاب در روسیه

نویسنده: ر. فراها نی

شوراها ی شهرهای بزرگ روسیه "در طول اعصاب عمومی اکتبر - دسامبر ۱۹۰۵ به نام سراسر روسیه سخن گفت. "شورا با برعهده داشتن نمایندگی سیاسی عمومی کارگران اعصابی برخوردار استهای عمومی "مجلس موسسان" و "جمهوری دمکراتیک" پای میفشرد. وضعیت انقلابی و فعالیت بیسابقه توده های پرولتاریا در حیطه سیاست زمینه انتشار یافته شوراها و تشکیل آن در سراسر روسیه بود، بطوریکه در پایان دسامبر ۴ تا ۵۰ شورای نمایندگان کارگران سراسر روسیه تشکیل شدند که محصول فعالیت جنبش اعصابی چهار میلیون کارگر روسیه (۳ میلیون کارگر صنعتی) بودند. این شکل نوین سازمانی توده های پرولتاریای روسیه در اعصاب عمومی اکتبر - دسامبر ۱۹۰۵ بود. اعصابی که در کارگران روسیه در آن شرکت کردند، با تشکیل شوراها ی مشترک دهقانی و سربازی و "کارگری - دهقانی" و "کارگری - سربازی"، شوراها به شکل عمده اتحادیه های رزاتی بین طبقات انقلابی جامعه تبدیل گردیدند. در ادامه، "شورا" این شکل نوینی که پرولتاریا برای سازمانیابی خود برگزیده بودگا مهیای تاریخی بلندی بجلو برداشت:

درک لزوم تبدیل اعصاب سیاسی عمومی به قیام مسلحانه، قهرمانانند جنگیدن سنگربسته گری برای کسب قدرت و سرنگونی تزاریم، با شکست قیام، روند انقلاب بتدریج، قوس نزولی طی می کند و سرانجام در پایان ۱۹۰۷ با پیروزی کامل ضد انقلاب اثری از جنبش شورائی بجای نمی ماند. در طی این مسیر روسیه وجهان شاهدمکاری میان طبقات انقلابی در برابر ضد انقلاب، عمل مشترک آنها بعنوان نمودی از ائتلاف دوطبقه (کارگران و دهقانان) بود.

در تمام این دوره و بویژه پس از آن، جریان مارکسیستی سوسیال دمکراتیک (بلشویسم رهبری لنین) روسیه در طی مبارزه بدشولوزیک پیگیر محورهای اساسی منتج از نهضت شورائی همچون: رابطه نهضت شورائی و مراحل افست و خیز انقلاب، فرا روئی شورا به دولت موقت انقلابی، رابطه نقش پرولتاریا در هدایت نهضت شورائی و مرحله انقلاب روسیه و اجتناب ناپذیری رهبری پرولتاریا در انقلاب بورژوا - دمکراتیک آن، همکاری انقلابی طبقات تحت ستم، تاکید بر نقش پیشرو و هدایتگر طبقه کارگر و رابطه آن با تروهای لنین و بلشویکیا در خصوص "دیکتا توری انقلابی کارگران و دهقانان" شکل و مضمون طبقاتی قدرت نوین انقلابی (دولت نوع کمون)، درک شورا بعنوان "انگاران نبرد" و "انگاران قیام"، و... راطرح نمود و به تعمیق آن در تئوری و عمل می پردازد.

در اوائل نوامبر - حدود ده هفته پس از تشکیل شورای سنت پترزبورگ - لنین برای نخستین بار به شورا بمناسبت نطفه دولت برخوردار می کند و شوراها ی

اثر مذکور در سه بخش، بخش اول: انقلاب ۱۹۰۵ روسیه - تولد شوراها، بخش دوم: انقلاب فوریه ۱۹۱۷ - تجدید حیات شوراها، بخش سوم: اکتبر ۱۹۱۷ - همه قدرت بدست شوراها، بالغ بر ۱۲۲ صفحه توضیح چگونگی پیدایش جنبش شورائی، تکامل آن و شکلگیری اولیه نظریه دولت شورائی در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی برداشته است. نویسنده بدستی معتقد است: از آنجا که "انقلاب بهمن با خودش شکل نوینی از سازمانیابی کارگران و زحمتکشان ایرانی را به همراه داشت. برای اولین بار "شورا" و جنبش شورائی در مرکز توجه جنبش کارگری و کمونیستی ایران قرار گرفت، می بایست این نهاد توده ای مورد بررسی همه جانبه کمونیست ها قرار بگیرد."

در بخش اول برخاستن ایده شوراها، مانده های بزرگ دیگران زمین توده ها و تکامل و تعمیق آن بررسی می گردد. چگونه با اعصاب عظیم و روسرو شدن طبقه کارگر - بویژه در مراکز پرجمعیت صنعتی - اشکال خاص از سازمانیابی را به منظور بیان خواسته ها و هدایت عملی خویش می طلبید ویرچنین زمینه های کمیته های اعصاب بمنظور هماهنگی و هدایت مبارزات توسط خود کارگران بوجود می آید و در تعمیق و گسترش اعصاب و لزوم تشکیلهای فراگیرتر شکل جدیدی از همکاری میان کمیته های اعصابی منفرد شهر را ایجاد می کند و بدین ترتیب شکل جدیدی از سازماندهی توده کارگران متولد می شود که کارگران خود نام آن را شورا (سوویت) می گذارند. اولین شورا در ماه مه ۱۹۰۵ در مرکز صنایع نساجی مسکو بعنوان نماینده تمامی کارخانه های شهری بمنظور مذاکره با سرمایه داران و نمایندگان دولت بسا عضویت ۱۱۰ نماینده از کارخانه های مختلف با بعرض وجود می گذارد: چهار هدف اصلی این شورا چنین بودند: ۱) هدایت اعصاب کارخانه های شهر (۲) مقابله با حرکات یا مذاکرات جداگانه در صفوف اعصاب بیون (۳) حفظ انضباط و نظم کارگران (۴) صلاحیت تشخیص زمان پایان دادن به اعصاب. این شورا بنا به نحوه فعالیت خود، قدرت سیاسی دولت در شهر خود را مورد تهدید مستقیم قرار نمی داد از این رو بیش از آنکه یک شورا، به مفهومی که بعدا شناخته شده باشد در حدیک کمیته هماهنگی اعصاب کارگران باقی ماند، در بلوغ اجتناب ناپذیر این حرکت سرانجام در ۱۴ اکتبر ۱۹۰۵ کارگران سنت پترزبورگ بر بستری یک اعصاب عمومی سیاسی و در مقابل آشکارا رژیم تزاری اولین نمونه آن نهادی را که تاریخ جنبش شورائی با تولد آن آغاز گردید، بنیان نهادند. پس از کمون پاریس و در اسفندی گسترده تر، جهان با ردیگر جوش قدرت سازمان یافته کارگران را مشاهده می کند. کارگران روسیه، نهادی را بنیان می گذارند که اشاره بشمارتبارا از محدودده، زمانی و مکانی روسیه سال ۱۹۰۵ می رود. این شورا با ارگان بنام "بزو ستیا" (هفتگی) با گسترش خود و ارتباط با

شوراها و انقلاب در روسیه

نوبنیاد را چونان ارکان یک دولت موقت انقلابی میبیند. این نکته اساسی در متدولوژی لنین در برخورد به شوراها سنگ بنای تزه‌های بعدی او را جمع به نظر می‌آورد. "در سال ۱۹۱۷ بود. "علیرغم آن لنین در این زمان و در برخوردش با اولین تجربه شوراها، "هنوز به نظر می‌آورد که شوراها به مثابه یک ساختار دولتی تمام عیار بی‌نبرده بود. انقلاب ۱۹۰۵ تنها بذراولیه دکتربین بلشویکی نظام شوراها را پدید آورد."

در بخش دوم نشان داده میشود که چگونه با پیدایش شرایط نوین انقلابی و پیداری غول تاریخ، مجددا شوراها با بعرضه میگذرانند. در هفدهم فوریه ۱۹۱۷ "کمیته اجرایی موقت هیئت‌های نمایندگان کارگری" تشکیل میشود. فراخوان به سرپازان و کارگران با پختن برای تعیین هیئت‌های نمایندگان در شورای پترزبورگ مهندسته شوراها و میراث دارغنی ترین تجربه طبقه کارگری در روسیه اکنون نیز با تکیه بر تجربیات و آگاهی که در اذهان و قلوب توده‌های تحت ستم بویژه کارگران نش‌گوئی انتظار میکشید، با بعرضه گذاشت. با تکوین سریع وضعیت انقلابی در ۲۸ فوریه کارگران و سرپازان در یک عمل عمدتاً خودانگیخته با حمله به کاخ زمستان، تزاریسرا به زباله‌دان تاریخ افکندند: شورای پترزبورگ سخنگوی این انقلاب بود. رهبری خردده - بورژوازی شورا، با استفاده از مستی ناشی از بیروزی پترزبورگ و سرخوشی از انقلاب همگانی فوریه که بر توده‌های کارگران و بویژه سرپازان مسلط بود، و در زمانیکه بلشویکها در این شورا در اقلیت کامل بودند، قدرت را به دولت شوروازی تفویض نمود. تحلیل رهبری حزب بلشویک (داخلی) عمدتاً بر اساس تزه‌های تاکنونی آنها قرار داشت و تحلیل نوینی از صف آرایی جدید بدست نمی‌داد. بیروزی انقلاب فوریه، انفجار رهنهت شوراها را بدنبال داشت اما ایفای نقش آن برای پیشروی بسوی انقلاب سوسیالیستی بدون دگرگونی عظیم صفوف آن و بدنبال آن کسب اکثریت در رهبری آن مقدور نبود. لنین با ارائه تحلیل‌های جدیدی که مجموعاً به "تزه‌های آوریل" معروفند چنین پیشروی را امکان پذیر ساخت. او پیدایش قدرت دیکتاتور دموکراتیک کارگران و دهقانان در قالب شوراها و نوع جدید دولت را اعلام داشت. نحوه برخورد با شوراها و کمک به تکامل آنها به حکومت نوین و بعنوان "نیگانه شکل ممکنه حکومت انقلابی" را تشریح نمود. "قدرت دوگانه" و مفهوم طبقه‌ای آن و رابطه آن را با مرحله انقلاب توضیح داده و جایگاه آن را بعنوان نموداری از یک لحظه انتقالی در جریان تکامل انقلاب به مرحله‌ای که اگرچه زحدود یک انقلاب مادی بورژوازی - دموکراتیک فراتر رفته ولی هنوز به دیکتاتور "خالص" پرولتاریا و دهقانان نرسیده است، معین نمود.

زمانیکه مستی "توده‌ای" تمام روسیه را به دیوانگی دفاع گراشی "انقلابی" گشاده بود و خطر آن وجود داشت که از ترس "جدا شدن از توده‌ها" بلشویکها هم‌به‌این بیماری همهگیر عمومی تسلیم شوند، لنین نه تنها آنرا بنقد کشید بلکه "شوراها" را "جایگاه میبایست نبرد صورت گیرد و انقلاب را از مرحله‌ای که در آن درجای زنده مرحله نوین ارتقاء دهد، نشان داد. مبراهه ای دثولوژیکی که سرانجام با تصویب شعار "همه قدرت به شوراها!" در کنفرانس آوریل به بیروزی قطعی رسید. او روشن ساخت که پرولتاریای شهری باید پرولتاریای روستا را بدنبال خود کشد و توده نیمه پرولتاریای ده را به آن

ملحق سازد و مانع آن شود که این توده بدنبال بورژوازی دهقانی که تمام تلاش اتحادیه‌ها را متوجه انقلاب است، روان گرداند. با روی کار آمدن کرنسکی و تهاجم قهرآمیز به جنبش توده‌ها و حمایت مشتاقانه منشویکها و اسارها از دولت بورژوازی و جدا شدن از جنبش مستقل توده‌ای و تحت تعقیب قرار گرفتن بلشویکها و خلاصه در شرایطی که دیگر بیسط مسالمت آمیز انقلاب مقدور نبود، لنین این تغییر عمیق وضعیت را سرعت درک نموده و پیشنهادی برای گرفتن شعار "همه قدرت بدست شوراها!" را داد. او با اعلان اینکه دوران "قدرت دوگانه" خاتمه یافته است و "شوراها" بدلیل چرخش احزاب با کم‌برآنها دیگر نمیتوانند در تکامل دامنه انقلاب و انتقال به مرحله نوین آن نقش بازی نمایند، اثبات نمود که تنها و تنها توده‌های انقلابی میتوانند صاحبان جدید قدرت دولتی را در هم بگویند و آنها را تنها بشرطی که از طرف پرولتاریا رهبری شوند.

در بخش سوم نویسنده نشان میدهد که چگونه شوراها با تقبل اجرای کنترل کارگری در سازماندهی تولید مداخله کرده و راه‌های پرولتاریا را جاری میساختند و تنها ده‌های جنبش شوراها با استقرار دولت شوراها یک گام به پیش رفته و از ارکانهای نبرد طبقه‌ای در جهت درهم کوبیدن نظم بورژوازی به مقام استخوانبندی قدرت دولتی و سازماندهی نظم نوین سوسیالیستی ارتقاء یافتند. امری که بدون تغییر ترکیب طبقه‌ای آنها طبق نظر لنین و جدا شدن از سیاست و عمل خرد بورژوازی از یک طرف و قیام مسلحانه اکثریت از طرف دیگر بعنوان دو پیش شرط ضروری غیر ممکن بود.

با تبدیل شوراها از ارکان نبردی طبقه‌ای دولت پیکارجوی یک طبقه و تولد "جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه برپا" اتحادیه و طلبانه خلقهای روسیه و بشکل فدراسیون جمهوری‌های شوروی "وساثل و ظرفی که بورژوازی برای حفظ سلطه خود بنا بودی انقلاب پرولتاریا کبیرا کتشریکا گرفت نشان داد که نظریاتی از نوع کاشوتسکیسم مدعی بودند این تکامل نقش "دمکراسی" است به‌کدام طبقه تعلق دارد و انواع این نظریات (اشوبنا و شر، مساکس آدلر، پانکوک "کمونیستهای شوروی"...) علیرغم اختلافات ظاهریشان چگونه سلطه‌بندی بورژوازی را تئوریزه مینمایند.

نویسنده در آخربه مقایسه نظام پارلمانی بورژوازی و نظام شورواشی می‌پردازد: مکانیسم این دو نظام را توضیح میدهد و به تفصیل وجوه بنیادی تئوریک و عملی این دو شیوه را تشریح مینماید. مسائل و مشکلاتی که در شرایط غیرقابل تصور جنگ داخلی و تهاجم دول امپریالیستی بر سر راه تکامل و اجرای دموکراسی شورواشی بوجود آمد و گراشهای انحرافی در رهبری حزب مبنی بر حذف یا دورزدن ویاسخنها ده‌ای دموکراتیک از جمله: اتحادیه‌ها، تهاوتی‌ها و سایر تشکلهای توده‌ای بویژه شوراها را باعث میگردد و بدینا تقویت مینماید. گرایش‌های کالنین در برابر آنها موضع داشت و علیه‌شان مبارزه نمود: در شرایط حاضر که در جنبش کمونیستی ایران، نحوه کسب قدرت بوسیله شوراها و بویژه مفهوم دمکراسی در نظام شورواشی مورد سوال واقع شده و جریاناتی از موضع سوسیال دمکراسی و بمنظور نفی تزه‌های اساسی مارکسیسم لنینیسم و تجربیات انقلاب کبیرا کتشریه تقلامشغولند و جریانی از موضع سوسیسمال فرمیسم و بتلاشه پورتونسیسم لاعلاج، در بهترین حالت، کاریکاتوری از نظام شورواشی را تبلیغ مینماید، این اشروادامه چنین تلاشهای بیشک در دفاع از مارکسیسم لنینیسم و برافراشته ترنگاها داشتن پرچم آن بویژه در جنبش کمونیستی ایران، نقش مثبت و ارزنده‌ای بازی خواهد نمود.

دمکراتیزاسیون... ادا ماه از صفحه ۹

جدیدی است که پیش از این سیاسی‌ها معرکه‌ها، با همه کمبودهایش، انجام میدهند و نشان داده است. ما با وضوح بیشتر دریا فتمیم بدون حزب کمونیستی که برترین نیروهای جامعه را با لحاظ ایدئولوژیکی و تشکیلاتی هدایت کند و درک درست از فعل و انفعالاتی که در حین انجام مینماید داشته باشد، هیچ تغییری امکان پذیر نیست. اما حزب نباید از روند حوادث عقب بماند. هر کجا چنین بود، تا شیرات مهمی در جامعه داشت، نه فقط در رهبری سیاسی و دولتی

بودند. با پیدارغ از منافع شخصی بدنبال منافع عمومی با زسازی بود. در بکار بردن واژه‌ها برای مخالفین هشیا رباشیم. کلمات نباید به قدر اصولیت بکار روند. آنها شایسته میخوانند ما را به جاده دیگری برانند، "سوخت دیگری" به آتش با زسازی برسانند، با پیدایشند که چنین چیزی عملی نیست. کمیته مرکزی با قاطعیت به مواضع لنینیستی خواهد چسبید، هر کاری خواهد کرد که پتانسیل دمکراسی سوسیالیستی را وسعت بخشد و بقیه در صفحه ۱۱

بلکه در جمهوریها و مناطق نیز، این بسیار مهم است اگرچه نمی‌توان گفت که همه سازمان‌های حزبی این چنین عمل کردند. و در مورد مطبوعات گفت بدون آنکه بخوایم از کسی نام ببریم یا بگوییم که مطبوعات ملکی شخصی کسی نیست بلکه تعلق به همه حزب و همه مردم دارد و نباید از آن بعنوان تریبون شخصی استفاده کرد. ما به دوره حکومت "روابط" پایان داده ایم، دوره‌ای که بعضی از اشخاص در حزب ما و پاره‌ای نواحی برای سالها خارج از کنترل و دور از دسترس انتقاد

رونق بازار مرگ در ایران

ادا ماه ز صفحه ۱۳

ادا ماه ز صفحه ۱۳

کشتار پناهندگان ایرانی

اسفند یار که یکی از پناهندگان ایرانی در "وان" میگوید که مدتی پیش با برادرش از کوه آمدند و توسط مقامات امنیتی دستگیر شدند، برادرش تحویل مقامات ایرانی داد شد که در روز توسط پاسداران اعدام گردید. و حالا او در "وان" در ویلا تکلیفی بسر میبرد.

(ن. بابک، ژانویه ۸۷)

گزارش مجله "نکتة" که یکی از محتاط ترین و شاید بشود گفت محافظه کارترین مجلات وابسته به محافل لیبرال ترکیه است، و در طی حکومت نظامی، تنها مجله غیردولتی بود که اجازه انتشار داشت، نشان از ابعاد فاجعه پارچناییتی دارد که تنها گوشه بسیار کوچکی از آن در اینجا امکان انعکاس پیدا کرده است.

به روایات گوناگون حد و حدود ۵۰ تا ۷۰ هزار ایرانی در شهرهای مختلف ترکیه آواره هستند. این در شرایطی است که کشورهای امپریالیستی مثل فرانسه، به معاملات ننگینی با رژیم جنایتکار ققهابزر پناهندگان دست می زنند، در رکشور فقیر و بحران زده ای مثل ترکیه بدون تردید ابعاد د هشتتاک پیدا می کند. دولت ارتجاعی و سرمایه داران حریص ترکیه در مقابل هر پیشنهاد نان و آبدار رژیم ققها مثل موم آب شده و در خدمت امیال ضد بشری رژیم خمینی قرار میگیرند. حوادث ماههای گذشته در ترکیه، پاکستان و کشورهای اروپایی هشداری است جدی که محافل و کانونها، گروهها و سازمانهای دموکرات و مبارزان ایرانی، برای دفاع از پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان بکشند!

بوده است. توده ها چنان در زندگی روزمره خود با مشکلات درگیر می باشند که به ندرت نیروی برای مقابله و مقاومت بر علیه جنگ و سرکوب در خود می یابند. بیکاری در جنوب تهران به مرز ۶۰٪ رسیده اما آمار بیکاران بطور رسمی در هیچ یک از اسناد کشوری ثبت نگردیده است. کمک به بیکاران و ایجاد اجتماعی وجود ندارد. صف های طولانی در برابر مغازه های مواد غذایی بیانگراین واقعیت هستند که ضروریات اولیه زندگی در ایران به آسانی بدست نمی آیند. توزیع مواد غذایی به وسیله مسجد ها تلاشی است برای جلوگیری از تحطی، غارت و احتکار.

دیوارهای تهران بخصوص در مناطق فقیرنشین جنوب از بالا به پایین لبریز از شعارهای فراوان

فراخوان به مرگ است. مرگ بر آمریکا فیها، مرگ بر اسرائیلی ها، مرگ بر روسها، مرگ بر خائنین، مرگ بر جاسوسان، مرگ بر معتادین، مرگ بر فواحش، مرگ بر صدام شیطان، مرگ بر... مرگ بر...! هرکس که از اذیابانهای جنوب تهران بگذرد، با چشمان خویش شهره جنگ را برای فقر می بیند. در مقابل هر سه یا چهار، پنج خانه ای یک حجله برافراشته شده است. اینها تنها آذین این کوچک های تنگ و خاکی هستند. از تصاویر شهیدانی که بر این حجله ها آویخته شده اند میتوان دریافت که این قهرمانان شهید کودکانی بیش نبودند. اغلب آنان فقط خطی سبز بر چهره داشته اند که او نیفرورم را بر تنشان پوشانده و سلاح در کفشان نهاده اند. سلاحهایی که بر روی آنها مارک ۳ - ۳، ساخت آلمان، نقش بسته است، بریشانی آنها روپایی قرمز یا شعارشهید گره خورده است. برای مردم فقیر شاید شهادت تنها منبع مالی باشد. اعلام گردیده که خانواده شهید ادرا زای قربانی شدن هر پسر... ۵۰۰۰ (پانصد هزار) ریال بدست می آورند و ارجحیتهایی در رابطه با کسب کویین، مسواک، غذای، خانه، وسائل ساختمانی، کار و امکان تحصیل برایشان قائل می گردند. مادرائی که سه فرزندشان در جنگ کشته شده است با اجازه شخص خمینی مجازا راهی مکه میشوند و به این ترتیب رفتن آزادانه به جبهه ها که در اختیار غرب فراوان به چشم می خورد، پاسخ ساده خود را دریافت می کنند.

بمباران سخت ماههای فوری و مارس سال گذشته در تهران بر طبق اطلاعات موثقی که من بدست آوردم، آنچنان ترس و وحشتی را بوجود نیاورد. مردم به بمباران گاه به گاه عادت کرده اند و هر زمان که رادیو ایران خبر بمباران موفقیت آمیز مراکز عینی را می دهد، مردم خود را برای حمله مقابل عسرا ق آماده می سازند. گورستانها معمولا حتی در شهرهای بزرگ محلی آرام و جزیره آرامش و مناجات - انسد، ولی نه در تهران. قبرستان مرکزی تهران (بهشت زهرا) در این زمان همانند یک بازار پر ازدحام است. مردم در اعداد رفت و آمدند. مردگان باید یکدیگر رود اع می کنند، بلند گوه می گردند. بازار مرگ رونق دارد. باد سته کلی از لاله، که سمبل شهیدان جنگ خلیج است، جمعیت در آغاز ماه رمضان به مزارستان نشان که قربانی جنگند، می شتابند. بزرگترین قسمت قبرستان تهران به قربانیان جنگ اختصاص داده شده است. هیچکس نمی توانست و نمی خواست به من آمار دقیقی از تعداد کسانیکه بر اثر جنگ در این گورستان به خاک سپرده شده اند ارائه دهد. مسلماتعداد آنها بیشتر از صد هزار نفر می باشد. بسیاری معتقدند که ۱۳۰ هزار نفر تعدادی دیگر حتی ۱۵۰ هزار نفر و لسی هیچکس آمار دقیق قربانیانی را که در اینجا به زیر خاک رفته اند نمی داند. این جزو اسرار دولتی است. یک بوی سنگین و شیورین به مشام می رسد، گویی بوی کوره آجرپزی با عطر گل سرخ در آمیخته است. یک دستمال جلویی ام می گیرم و بعد از مدتی که در رین جنگل مرگ حرکت میکنم ناگهان به جلوی فواره خون بنای نمایشی یاد بود قربانیان این جنگ کثیف می رسم. از درون چاهی، یک ماد هقرمز کشته شده انسان است فوران می کند، چاه آب که معمولا سنبلی از زندگی است، در این جابطور سنبلیک مرگ دسته - جمعی را نشان میدهد. خون بطور اتم جاری است ولی نه بصورت یکدخت، گاهی به صورت موج جاری میشود، لحظه ای آرام و دوباره شدت می گیرد.

باعجله دستمال لاله ای را که در دست دارم بر روی یک مزار که در آن نزدیکی هاست میگذارم و تمام تلاشم اینست که هر چه زود تر این محل را ترک کنم.

"ترجمه قباد"

از کتاب پترشوت بنام "وقتی که آن در وها، آنسوی ترکیه، خلقهاد برابر هم قرار میگیرند" ص ۲۰۹

Wenn fern hinter der Türkei die Völker aufeinander schlagen - Pahl - Rugenstein Verlag, Köln, 1987 (14,80 DM)

آلمان فدرال و متقاضیان پناهندگی در سال ۸۷

بنابراظهارات وزیر کشور آلمان غربی در سال گذشته جمعاً ۷۵ هزار و سیصد و هفتاد و نه نفر در آلمان غربی تقاضای پناهندگی سیاسی کردند که این تعداد حد و حدود ۴۰۰۰۰ نفر کمتر از سال ۸۶ است. وی علت کاهش تعداد متقاضیان پناهندگی در این کشور را نتیجه اقدامات مثبت دولت برای جلوگیری از هجوم پناهندگان به آلمان توصیف کرد، بر طبق گفته ایشان بیشترین رقم متقاضیان در آلمان طی سال گذشته رالهستانی ها به خود اختصاص داده اند، که تعداد آنها، ۱۵۱۹۴ نفر بوده است، در همین رقم در سال گذشته از آن ترکیها، با ۱۱۴۲۶ نفر متقاضی و پس از آن ایرانی ها با ۶۵۳۸ نفر متقاضی، گروههای عمده متقاضیان پناهندگان سیاسی را تشکیل داده اند. از کشورهای دیگر چون سریلانکا ۲۲۸۵ نفر، پاکستان ۱۵۹۲ نفر، افغانستان ۱۵۸۶ نفر، چکسلواکی ۱۵۱۶ نفر. لازم به ذکر است که بیش از ده هزار نفر از این متقاضیان از طریق فرودگاه فرانکفورت وارد آلمان غربی شده و در آنجا تقاضای پناهندگی کرده اند.



فلسطین

● در برابر جنبش هر دم گسترش یابنده خلیق فلسطین در رنوا روزه و کرانه غربی رود اردن ، حکومت نژاد پرست صهیونیستها به تاکتیک های خشن تر و وحشیانه تری دست میزنند . نیروهای نظامی اسرائیل برای مقابله با جنبش با اعلام حکومت نظامی و محاصره ارد و گاهها ، گرسنگی و فشار رابه پناهندگان ساکن ارد و گاهها تحمیل می کنند . در هفت ارد و گاه با . ۲ هزار جمعیت مقبضات حکومت نظامی وضع عبور و مرور حاکم شده است . آژانس امداد سازمان ملل که مسئول رسیدگی به پناهندگان است اعلام کرده ه قادی ره رساندن خوار بار به پناهندگان نیست . نخست وزیر اسرائیل در مصاحبه با روزنامه اورشلیم پست گفت فلسطینی ها باید با خطر مرگ روبرو باشند تا زحمه به اسرائیل خود داری کنند و از تیراندازی به تظاهرات کنندگان دفاع نمود . در قبال رشد جنبش توده های و برای کنترل آن هم در رد رین صهیونیستها شکاف افتاده و هم مرتجعین عرب برای جلوگیری از پیشروی آن به تقلا افتاده اند . مبارک ، رئیس جمهور مصر ، طرحی مبنی بر خود داری طرفین از خشونت بعدت عمده ارائه کرده است . تا به زعم اود ر این مدت راه حلی برای صلح یافته شود . جالب است که در برابر این طرح که مضمون اصلی آن توقف جنبش برای شش ماه است ، اسرائیل ابراز مخالفت نموده است . مبارک تحرکات خود را با سفر به آمریکا و اروپا برای دخالت بیشتر در این مسئله افزایش داده است . وطنی ماه گذشته ملاقاتی بین شولتز ، وزیر خارجه آمریکا ، و بعضی رهبران فلسطینی که وابسته به سازمان آزاد بیخش و از جناح عرفات برای بحث حول مسئله فلسطین صورت گرفته است .

یلیپین

● بر طبق ارزیابی سازمانهای حقوق بشر آمریکا ، در فیلیپین امروزه حقوق بشر در رقیسه بادوران حکومت مارکوس بصورت سیستماتیک و درابعاد وسیع تری نقض می شود . طرفداران و فرم ارضی ، فعالین اتحادیه های کارگری ، و اعضای گروههای چریکی توسط گروههای دست راستی مسلح که از

جانب ارتش تسلیح شده و سازمان می یابند به قتل می رسند . تعداد اعضای جوخه های مرگ که از میان جوانان بیکار و اعضای کلیساهای بنیادگرا انتخاب می شوند به بیش از ده هزار می رسد که در بالغ بر ۱۰ گروه سازمان یافته فعالیت می کنند . در مقابل حزب کمونیست فیلیپین - ارتش نوین خلق - با اتکا به نفوذی که در میان توده های زحمتکش شهری دارد ، اقدام به گسترش سازمان دهی نظامی و مقابله با نیروهای دست راستی کرده است . واحد های انقلابی کمونیستها به ترور عناصر جاسوس و منفور که به توصیه تشکلهای توده ای و پس از بررسی در دادگاههای مخصوص صورت میگیرد ، افزوده اند . همچنین حمله به پایگاهها و موزوران آمریکا در سراسر فیلیپین را گسترش داده اند .

اخبار کوتاه خارجی

بنگلادش

● در جریان اعتصاب عمومی در بنگلادش که با دخالت پلیس به خشونت کشید ، حد اقل یکصد نفر از تظاهرات کنندگان در سراسر کشور زخمی شده اند . اعتراضات توده های به رهبری احزاب اپوزیسیون در یکماه گذشته بر علیه حکومت ژنرال ارشاد و به هدف بازگرداندن دموکراسی به کشور همچنان ادامه دارد .

نیکاراگوا

● از روز ۲۸ ژانویه مذاکرات مستقیم بین دولت نیکاراگوا و ضد انقلابیون کنترا در کستاریکا بعدت در روز انجام شد . این مذاکرات که برای ایجاد آتش بس و پیش برد طرح صلح در آن کشور بود در این دو روز مذاکره به نتیجه نرسید . طرفین موافقت کردند تا در ور بعدی مذاکره را در هفته د بگرد رگو اتالا از سر گیرند .

موزامبیک

● وزارت بهداشت اری موزامبیک گزارش حملات و تخریب وحشیانه شبکه درمانی آن کشور توسط ضد انقلابیون " مقاومت ملی موزامبیک " که توسط نژاد پرستان آفریقایی جنوبی حمایت میشوند را منتشر کرده است . مطابق این گزارش ۳۰ درصد موسسات درمانی در مناطق موزامبیک توسط ضد انقلابیون در سال ۱۹۸۶ تخریب شد . آنها بکمک دینامیت ساختمانهای درمانگاهها را منهدم میکنند . با این اقدامات کوچک اجباری مردم ، حدود د و میلیون نفر از مردم موزامبیک از خدمات درمانی محروم شده اند . " یونیسف " - موسسه کودکان سازمان ملل - اعلام کرده که ۸۴ هزار کودک در ۱۹۸۶ بدلائل مربوط به جنگ تلف شده اند که همگی مرگهای قابل پیشگیری بود ه اند که بعلت تخریب سیستم درمانی و کمبود تغذیه بعلت انهدام مزارع و حملات ضد انقلابیون بوجود آمده اند . گزارش یونیسف یکی از علل مرگ و میر بالای اطفال در موزامبیک که از مرگ و میرهای بالا در سطح جهانی است (۳۲۵ در هزار) رابعلت جنگ میدانند .

ترکیه

● پس از ۱۳۶ روز اعتصاب ، کارکنان و کارگران فروشگاههای زنجیره ای " میگروس " به شکست دادن مقاومت سرمایه به خواسته های خود دست یافتند . سند یکی " تزکوب ایش " که رهبری این اعتصاب را برعهده داشت در روز ۲۹ دسامبر ۱۹۸۷ همه خواسته های اعتصاب را بر کارفرمایان تحمیل نمود . " وهبی کوچ " یکی از صاحبان سرمایه بزرگ در ترکیه ، که غیر از فروشگاههای زنجیره ای " میگروس " دهها واحد بزرگ صنعتی د یگرواد را اختیار کرده ، در سال مالی ۱۹۸۷ ، ۲۷۰۰ میلیارد لیره از کرده کارگران و زحمتکشان ترک سود برده است . در آغاز اعتصاب اگرچه اوود دولت حامی اس کارگران را تهدید کرد ه بود نده که هیچکدام از خواسته هاشان پاسخ نخواستند داد ، اما در مقابل مقاومت یکبارچه کارکنان ورهبرسند یکا که یکی از کارکنان زن است ، وادار به تسلیم گردیدند .

کاهن ساوکانها در خلیج

● دولت های انگلیس ، فرانس و بلژیک تصمیم گرفتند که در دریا و کان دریایی وکی - های من با وجود اخلال خلیج فارس خارج باشد . اس دکور که در سراسر همکاری در خلیج فارس بد انواع رسدها جدا جدا در لندن اجتماع کرده و مسائل بعد از خروج را بررسی کرده اند .

آلمان فدرال

● روز ۲۷ ژانویه یک آلمانی د بگرد ر بیروت توسط آدم ربایان حزب اللهی به گروگان گرفته شد . وزیر خارجه آلمان برای آزادی او به مراداتی با ایران وسوریه اقدام کرد . در فرورد گاه فرانکفورت ملاقاتی بین گنشر و ولایتی در روز ۲ ژانویه حسین عبور ولایتی از آلمان ، صورت گرفت . گفته میشود این آدم ربائی توسط " عبدالهادی حمادی " از رهبران حزب اللهی لبنان و برادر عباس و محمد علی که در آلمان به اتهام هواپیما ربائی در زندان هستند ، صورت گرفته است .

انگلیس

کنفرانس بین المللی " ایدز "

● به ابتکار سازمان بهداشت جهانی نمایندگان و وزرای بهداشت اری بیس از صد کشور جهان برای بررسی بیماری ایدز و راههای همکاری برای مقابله آن از تاریخ ۲۶ ژانویه در لندن گرد آمده اند . در گزارش مسئول سازمان بهداشت جهانی آمده است که تا سال ۱۹۹۱ ، یک میلیون نفر به بیماری ایدز در سراسر جهان مبتلا خواهند شد . در حال حاضر حدود ۵ تا ۱۰ میلیون نفر به این ویروس آلوده شده اند . علاوه بر مرگ و میر وسیع این بیماری ، فشارهای اقتصادی زیادی برای معالجه بیماران به کشورهای مختلف تحمیل میشود . مخارج انگلیس برای درمان این بیماری ۸۱ میلیون پوند در سال است . در این گردهمایی بر آموزش مردم برای جلوگیری از شیوع بیماری بعنوان حلقه اصلی مقابله تاکید گردید . آموزش و مقابله با راههای اصلی ابتلا ، که از طریق همجنس بازی و انتقال خون آلوده و یا مصرف سرنگ آلوده در تزریق می باشند ، مورد تأکید قرار گرفت .

ادامه از صفحه ۱۲

دمکراتیزاسیون جوهر ...

پروژه سازی را بر اساس ارزشهای سوسیالیستی سمعی کند . در سمت دیگری کورما جفادامه داد که امروز " علینت " یا بدیهه ارائه روحیات دمکراتیک و روشهای مدیریت مبتنی بر کارائی کمک نماید . بخش مهم است که از هر چیزی ، تجربیات نبودن و ردهای جدید پستیایی شود . کارائی بیشتر مورد نیاز است . دانشمندان را بطور وسیع شرکت دهید و به نقطه آشنائی را که مطلق است ، آنچه که مهم است کارائی ، اسحکام و هر آن چیزی است که مسائل رسیدگی و امنی را حل کنند . ما مرحله حساسی را سن روی داریم . ۲۰ تا ۳۰ سال آینده تعیین خواهند کرد که مسیرنا سازی به کجا خواهد رفت . بنابراین ، هر کسی بدنبال به روندی که در جامعه در جریان است دقتی باشد .

برلین غربی:

زنده باد یا دنیوشا فرهی

ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۲۲/۱/۸۸ مراسم برای بزرگداشت خاطره رفیق شهید نیوشا فرهی در برلین غربی برگزار گردید. مراسم با نمایش فیلمی از زندگی و خودسوزی نیوشا آغاز گردید که تماشاگران را بسیار متاثر کرد. سوختن نیوشا، همه دل‌های پاک را سوزاند و آتش کینه مبارزه جویان آنها را علیه رژیم تبهکار جمهوری اسلامی و بقایای سلطنت منحوس شعله ور ساخت.

عاطفه گرگین (همسرش ارشد شهید خسرو گلرخی) پس از اعلام یک دقیقه کف زدن ممتد به همه شهدا سخنرانی کرده و چند شعرا جمله شعری در مورد نیوشا از سروده‌های خود را خواند. مقاله‌ای از طرف کمیته برگزارکننده و همچنین پیام‌گان پناهنگان سیاسی ایران - برلین غربی بمناسبت همان شب خوانده شد.

مراسم با موسیقی دلنوا زمردک و کاوه جابریانی خاتمه یافت. این مراسم از جانب کمیته هماهنگی نیروهای مترقی ایرانی در برلین غربی "مشکل از هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی، انتشارات اتحاد مبارزه سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - برلین غربی، هواداران کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن - برلین غربی و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - برلین غربی ترتیب یافت. کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین غربی بعنوان حمایت کننده دوتدارک مراسم همکاری کرد.

گوتنبرگ - سوئد

گزارش برگزاری مراسم ۱۱دی

بی عدالتی در ایران همراه با موزیک نشان داده شد. سپس رفیقای دو شعرا رفیق حسن حسام و شاملو را خواندند و بعد از آن از یک رفیق مبارز و هنرمند تقاضا شد شعری را که خودش سروده است، (نبرد اویسن) بخواند.

آخرین قسمت برنامه با نمایش فیلم خود - سوزی رفیق نیوشا فرهی و با مقدمه‌ای قبل از آن اجرا گردید و مراسم با سرود انترناسیونال به پایان رسید.

واحد گوتنبرگ - سوئد ۸۷/۱/۲۲

از طرف واحد گوتنبرگ در روز یکشنبه هفدهم ژانویه ۸۸ در بزرگداشت یادشدهای سازمان و در همبستگی با رفقای دربند، مراسم در مکان انجمن ایرانیان در گوتنبرگ برگزار گردید و جمعی از ایرانیان در این مراسم شرکت داشتند.

مراسم با یک دقیقه سکوت در احترام بویه یادشدهای سازمان و دیگر شهدای راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید و پس از آن پیام کمیته مرکزی سازمان (بمناسبت یادشدهای روز تجدید پییمان با شهدای سازمان) قرائت گردید.

بعد از آن اسلایدهای از فقر، ستم، کشتار و

پیروزی پناهندگان

و جالبتر از همه عقد "قرارداد" (یعنی اخذ شهید) با "مهدی ابریشمی" است! یعنی شخصی که خود رسماً در سال ۱۹۸۶ بدنبال معامله با ایران و قطع امید از مجاهدین، اخراج شد و همراه رجوی به عراق رفت!

در حال هر چه بود یک پیروزی برای پناهندگان ایرانی و دومین شکست بزرگ - بعد از عصاب همگانی دانشجویان در سال گذشته - برای مقام عالی امنیتی پلیس فرانسه (پاسکوا) بحساب می آید که تاوان آنرا دولت دست راستی شیراک - پاسکوا، در انتخابات عنقریب آتی مشترکاً خواهند پرداخت.

صبح روز پنجشنبه ۱۴ ژانویه ۹ نفی - نواز پناهندگان اخراجی، مستقیماً از گابون وارد فرانسه شدند و بقیه راه اسپانیا بردند تا با قدری تاخیر تا دیدتوا ننند از میزبان آبروریزی دولت بکا هند!

البته برای حفظ ظاهر قبلادگاه تشکیلات دادند. آنهم مضحکه‌ای بیش نبود. زیرا قاضی نیز از نقض حقوق پناهندگان بوسیله دولت، شرمند بود و "اخراج دسته جمعی" نیز اقدامی غیر قانونی و خلاف عرف خوانده شد. در مقابل این اتهام که آنها بعضاً بهنگام تبلیغات "دم معبر کرده اند"، از جانب وکیلی عنوان شد: "جریمه چنین اقدامی ۶۰۰ فرانک پول یا حداکثر ۵ روز زندان است!"

جمعیت ایران

تا ۸۵ سال آینده به یک میلیار د نفر میرسد!

۱۹ ژانویه ۸۸

جمعیت دنیا پس از کشور غنا دومین کشور است. وی افزود، پیش بینی میشود با این نرخ رشد جمعیت کشور در ۲۲ سال آینده ۲ برابر و در ۴۵ سال آینده به ۲۰۰ میلیون نفر و در ۸۵ تا ۸۵ سال آینده به یک میلیارد نفر برسد.

رئیس سازمان ثبت احوال اعلام کرد با توجه به رشد جمعیت تا ۴۵ سال آینده جمعیت کشور به ۲۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. علی اکبر رحمانی معاون وزیر کشور و رئیس سازمان ثبت احوال گفت نرخ رشد جمعیت ایران ۳/۹ است که از نظر نرخ رشد

لیست کمکهای مالی

ب	۳۲۱
م	۷۵۷۲
س	۳۲۳
امیر	۱۰۰
هوادار	۴۲۶۰
م - ل	۵۲۰
ن - ا	۵۳۰
بهرنگ	۳۷۱
علیرضا شکوهی	۱۰۳۲
ح	۷۱۲
عنايت	۱۲۲۷

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1 - BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
- CEDEX 12
FRANCE

اخراج کارداران ایران از فرانسه

غلامرضا حدادی کاردار رژیم در فرانسه اخراج شد. با وجود اینکه چندین ماه از قطع روابط رسمی ایران و فرانسه و جنگ سفارتخانه‌ها میگذرد کاردار رژیم همچنان در فرانسه به فعالیت دیپلماتیکش ادامه میدهد. این اخراج که در بیستم ژانویه و زیر فشار افکار عمومی و رسوایی‌های ناشی از اخراج پناهندگان ایرانی انجام گردید، خودشانست آن است که مذاکره پشت پرده دولتهای ارتجاعی فرانسه و ایران همچنان برقرار بوده است.

برای تماس با سازمان اخراج کشور،
باشماره تلفن ۱۳۹۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل
کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط
رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی
از داخل کشور با این شماره تلفن تماس
گرفته نشود.